

آمدند دست نشانده های باغی را تعویض نمودند.....میروند تا از گدی گک کوکی ز عیم ملی بتراشند!

موافقتنامه امنیتی آماده توشیحست ولی فرماندار حاضر نیست تامیراث شوم ازوی بجا ماند مزید برآنکه دست از قلم نگهداشت بادور اندیشی که فراگرفته است دستکش نیلونی راجز هنگام طهارت از دست نمیکشد تامباداشتش راترجیح دهند بلی ولینعمت گفت: مقاومت کن زعامت ابدی میبخشم ولی گماشتگان غافل را ازین گفت وشنود چه سود؟ نا آگهان هر چه بخواهند همان کنند.

جامعه جهانی مشروعیت حمله نظامی سال ۲۰۰۱ ناتویر افغانستان وریش بمهای سنگین نظامیان امریکا برتوره بوره را بخاطر مبارزه با تروریزم جهانی بذیرفت مردم کشور نیز بامیدمهار شدن سلط بنیاد گرایان؛ که باتقسیم بند یهای مذهبی وهابیت تسنن؛ تشیع وجهت گیریهای قوم وتبار هزاره اوزبک بشتون وتاجیک یکی را بجان دیگر انداختند و رهایی از اسارت طالبانی که سرگرمیهای مشروع شانرمهار کرده بودند دخالت نظامی متجاوزین وسلطه فرمانده کاغذ بیچ ومطیع ایشان را زیر نام دوره انتقالی بفال نیک گرفتند واما این دوره انتقالی نه یک سال نه دوسال بل سیزده سال است که ادامه دارد

بس از سقوط امارات طالبان زمینه اسکان مجدد ومصونتر سرگروهباهوملا های مطرح وفعال این اجیران وطن ندار درآنسوی سرحد بدستور ناتو جهت استفاده مزید در رشته بر نامه های بعدی فراهم گردید وایالات متحده ومتحدین باحمایت بیدریغ درسطح منطقه وجهان زمینه حکومت داری بیدردسر را برای فرماندار حلقه بگوش تامین نمودند فرماندار به باس ادای احترام به مهربانیهایان در همه عرصه ها مستقیم میجنبد وبدون اجازه به آب وغذا دست نمیزند امریکا ومتحدین برای تامین مقاصد مطروحه ناتو؛ ارتقا شخصیت وتحکیم قدرت فرماندار اکم تجربه وبی هویت تحمیل شده برافغانها دالروکلدار را سخاوت مندانتراز حلقه های راشی داخلی تحفه گویا باد نمودند دنباله این عمل ناشایست رفته رفته به فساد اداری کنونی مبدل شده است .اذعان میگرددکه فرماندار علیرغم بیروزی چشم کیر در انتخابات ۲۰۰۴ و کسب آرا مردم باز هم نمیخواهد یا نمیتواند د جهت تامین منافع وطن ومردم مستقلانه عمل نماید اگر برایش گفتند این کشور دوست است روابطش بارهبران قلمدادی تاسطح برادری میدود وبر عکس در حل روابط داخل فرماندار ما که هم در رهبری سیاسی ونظامی وهم در عرصه ایجاد وتحکیم روابط اجتماعی مبتدی ومتزلزل مزاج تشریف دارند نیز گوش بفرمان ایستاده ودراجرای اوامروهدایات هر مقام متجاوز بیرونی بدون تعقل وتامل باجد وجهد وطنی خیلی خوش خدمت هستند .

اگردوستان خارجی طالب بایگهای خودی شدند بدون طی مراحل دولتی ومراجعه به آرای مردم وبی توجه به ارزش خاک وتمامیت ارضی کشور زمینه احداث بیسهای متعدد در اساس ترین مراکز نظامی وطن برایشان فراهم ساخته شد در داخل این بایگا ها قوانین نظامی وامنیتی دولتهای مطبوع تصاحب کنند گان نافذاست .هرگاه تلاشی خانه مطرح گردد میتواند دهات وقریه هارا تلاشی و بمباران کنند ومنتقدین زباند ارکه این ترورهای دسته جمعی را عمل شیطانی گفتند طالب گویا ورمه گونه به زندانهای داخل بیسها انبار نمودند صلب آزادی مردم؛ کشت و کشتار کودک بیرجوان زن ومرد بازخواست نداشت وهنوز هم ندارد برسشهای خبرنگاران واعتراضهای رسانه ها در رابطه با انجام همه خرابکاریها کشتارها ریش بمها برمحللات مسکونی ومردم بیگناه وبی دفاع فقط بالبرازیک کلمه ببخشید واعتراف بیشرمانه

که گویا سایر جنایتها هوایی و تیربارنها عمدی نبوده بلکه ناشی از هدایت نادرست بم افکنهای بیسر نشین و بی بروایی تفنگداران میگسار است جواب داده میشود و در موارد هم با برداخت خونبهای ناچیز به بازماندگان شهدای بیگناه رفع مسهولیت مینمایند نه کسی به محکمه کشانده میشود و نه از انجام همچو جنایات شنیع در آینده جلوگیری بعمل میآید از سر نوشت صدها افغان بیدفاع که در محابس داخل بیسها شکنجه و نکهداری میشوند کمتر کسی آگاهی دارد مراجع ذیصلاح دولت و شخص فرماندار سایر عملکرد با داران رامیستایند و در ادامه عملیات مشابه آنها را مساعدت و راهنمایی میکنند. اگر خواستند جاده ها یا راه های رفت و برگشت شهریان را زیر نام تدابیر امنیتی مسدود کنند دیوارهای سمنتی بیشکش شان شد با استفاده از این دیوارها مزید بر مسدود شدن راه های اساسی رفت و برگشت شهریان در مراکز شهرها همین بخش خاک این شهرها از قلمرو ماجدو مجانی و رایگان ضم محدوده کشور های بیگانه شده است. هتل باستانی کابل یکشنبه فروخته شد؛ مالک جدید جاده سی متر که چاراهی بشتونستان را با جاده شاهی وصل میکرد نیز حریم گویا تصاحب و تاسیسات امنیتی خود را روی ملکیت عامه شهریان کابل بنا نمود ریس جمهور کشور که من فرماندارش میخوانم بدون توجه به ارزش مقام ریاست جمهوری شخصا در ضیافت افتتاحیه که از طرف میلیونر بریتانیایی افغانااصل بافتخار تصاحب نفس کابل تدویر نموده بود شرکت و با ایراد بیانیه مبتذل خویش در رابطه با چلیدن یا نچلیدن هتل بازسازی شده که گویا کدام موتور میخانیکی است مصونیت قضای آتیه مالک راتقویت بخشید. و طناداران بیاد دارند که حتی برای خوشگذرانی روز مره متجاوزین؛ عیش و نوش و منحرف نمودن تعداد از هموطنان باد یا نت و جوانهای باک وطن ما خلاف همه موازین اسلامی و رسوم افغانی خانه های مجلل در مسهونترین نواحی شهرها در اختیار عفت فروشان گلرخ های بیرون از وطن قرار داده شد در آن مقطع چنین فحاشی شرط اول تحکیم دیموکراسی قلمداد میگردد که بلاخ بعد از اند سالی از اثر عکس العمل شهروندان شریف و با دیانت ما افغانها این لانه ها بسته شد و کاسبین بیرون مرزی جبرا رهسپار کشور های خودشند. قضاوت باشما آیا میتوانیم سراغ کدام میراث بدتر از اینها را داشته باشیم؟

کرسی های وزارت خانها هم بر بنیاد طرحهای مسلهت جوانه ولینعمات (منطور آقایان بوش و اواما است) و معاملگری فطری فرماندار در اختیار این یا آن گروپ جهادی قرار گرفت. تقرر انتخاب و انتصاب جیره خواران و هواداران کشورهای ذینفع در وزارتها؛ هر دو مجلس بارلمان و سایر ادارات رسمی دولت و بهمین طور راه یافتن آنعده اتباع کشورهای همسایه که دهه نود با استفاده از لیلایم باسبورت های افغانستان توسط نمایندگیهای سیاسی جها دیها باسبورت های وطن مارا برای خود و اعضای فامیل بدست آورده و یا توانسته بودند تذکرهای تابعیت افغانرا با برداخت نصف قیمت باسبورت خریداری نمایند تا بنام مهاجر افغان به کشورهای مترقیتر از ادگا خود بنهاده شوند که تعدادشان شد ندو حالا در اکثر ولایات افغانستان برای خود آرگاه و بارگاه دست و پا نموده اند زیر نام نه که افغان بلکه افغانی یا بختون بمقامات نظامی امنیتی و قضایی کشور زمینه های ایجاد نفاق بین اقوام را سهلتر ساخت. امروز هر افغان تاثیرات نادرست و ناروای مداخلات بیشرمانه این شخصیتها را که با استفاده از مقام دولت یا تریبون بارلمان برای تبلیغ مرام و منافع دولت با دارو و پاکشور مطبوع خود دست بالادارند در ساحات سیاسی؛ نظامی اقتصاد و حتی عرصه های دین مذهب؛ زبان فرهنگ و رسم و رواجهای تاریخی و عنعنوی ما بچشم سرمشاهده مینمایند این نمونه دیگریست از میراث خوب که بجا مانده و مایه افتخار جناب فرماندار خواهد شد.....

در انتخابات دوردوم ۲۰۰۹ اکثریت مردم بااطمینان کامل منتظر جلوس ریس نو در مقام فرمانروایی بودند ولی فرمانده کل قوای نظامی و تهاجمی بر وطن ما ؛ باوجود نارضایتی و سرتکانی ها که شخصا از اجرا آت ناشیانه و نا سالم فرماندار لجوج ولی فرمانبردار داشت خلاف انتظار همه مردم باز هم وی را در صدر مقام زهبری ابقا نمود و صفحه جدید رادر رابطه با ادامه همکاری های نظامی و استراتیژیک کوتاه مدت یعنی پنج سال آینده و دراز مدت ده سال دیگر بعد از سبری شدن پنج سال اول کشور و دستورات لازم رادر زمینه صلاحیتهای رزمی و عملکرد جزو تاهای نظامی کشور های خود و متحدین صادر کرد که عملیات هوای ارسال بم افکنهای بیسرنشین به هر دو طرف خط دیورند و تلاشهای وقت و ناوقت منازل مسکونی را نیز احتوا مینمود فرماندار ما همه ارشادات و لینعمتش را با جبین گشاده بذیرفت و مکلفیت تطبیق دستورات شانرا به ادارات مربوط واگذر کرد و اگر گاهی هم صدای مردم بخاطر تلاشی های بیمورد ؛ عملیات نظامی غیر ضروری در محلات مسکونی ؛ دست اندازی به نوامیس مردم ؛ کشتن اطفال و زنان بید فاع و ادرار کردن سربازان کشور های فاتح بر اجساد که بدستهای ناباک خود شهید نموده اند و یابزندان کشیدن عوام الناس بلند میشود فرمانروا ما با توضیحات باصطلاح منطقی سخنگو های ملکی و عسکری خود میکوشد تا عملکردهای ضد افغانی و ضد بشری نیروهای ایتلاف موجه جلوه داده شود.

چینکه برداختهای نقد ما هوار (هشت صد هزار هیوره معادل یک ملیون دالر) دفتر ریاست جمهوری همسایه غربی مستقیما به ریس دفتر فرمانروا بالوسيله روزنامه های کشور حامی افشا شد و هنگامه بر با نمود خیرنگاران و مبصرین سیاسی اطمینان داشتند که افشای این عمل زشت انزجار و تنفر رعیت و حامیان امریکایی رانست به فرمانروا بیشتر و کرسیش را متزلزل روحیه را ضعیف میسازد اما فرمانروا خم به ابرو هم نیآورد بدون توجه به گذارش روزنامه و اعلامیه مقام ارشد سفارت کبرای دولت راشی در کابل که اظهارات روزنامه بر تیراژ نیویارک تایمز را مغرضانه و توطئه خصمانه هیولای غرب در جهت تخریب مناسبات نیک دو کشور برادر و همسایه توصیف نموده تقدیم هر نوع بول و بیسه دولت مطبوع خود به جناب فرمانروا را دروغ محض خواند ایشان محجوبانه اقرار نمودند که از سالها باینطرف مبالغه یا د شده را ریس جمهور دولت دوست و برادر غرض تامین خرچ دسترخان ما که در یک کشور غریب و نادار فرمانروای ملت هستیم مساعدت مینمودند و ما هم چون سلاتین اسلاف خود با جبین باز میبذیرفتیم اذعان میگردد که مقامات ارشد کشور حامی یعنی امریکاییها مطلقا آگاهی دارند و این خود کدام گناهی نیست. بابخش و نشر این اعتراف مردم باطمینان کامل منتظر خلع فرمانروا بودند دست اندرکاران سیاسی بخاطر میآوردند: و قتیکه دولت حامی فر داول کشور خود را با ادعای خانم سکرتر که گویا با موصوفه در آمیخته بود به محاکمه کشاندند یقینا این گدیگک را هم ماخذه مینمایند ولی باز هم اب از اب تکا نخورد و ادعای نیم بند فرمانروا را مبنی بر اینکه سرکردهای حامیان بین المللی برادران عزیز وی هستند و شخص ولینعم حیثیت برادر بزرگ شان را دارد که میتواند جزا دهد و توبیخ کند و هم باداش دهموشفق باشد نزد صدها مصاحبین و مشاورین کثیر الملیتی بخته ساخت. متهم باعجله هر چه تمامتر ریس دفتر خود را که از اند سالی باینطرف در د ربار همسایه غرب سفیر بود و نقش محوری داد و ستد نقدینه را بعهده داشت از وظیفه که اکنون بیمتاعست عزل و بصفیت سفیر به کشور همسایه شرق اعزام نمود تا از طریق دوست مطمین دیگر منابع جدید خرچ دسترخان ارگ تدارک گردد. در مورد تدارک خرچ دسترخوان فرمانروای ملت فقیر از منبع اخیر شواهدی در دست نیست اما در رابطه با رفع کدورتها و خصوصتهای دیرینه بین دو دولت؛ ایجاد

تفاهم و تحکیم دوستی نه تنها با مقامات حکومت و سران اردوی همسایه شرقی بلکه با برادران نا راضی فرمانرواستقر در بین کشور که آله دست حلقات د هشت افگنی آنکشور هستند و دهه هاست که مجهز با وسایل و تجهیزات مدرن انتحاری دستگاه مخوف آی اس آی آتشکده نفرتبارکشت و کشتار انتحاری؛ انهدام نهاد های تاریخی؛ خطوط مراسلاتی و باتش کشید مکاتب تاسیسات صنعتی فرهنگی و منازل مسکونی را در وطن ما روشن نکه داشته اند و وطنداران مارا از عا د پترین حقوق انسانی یعنی حق زندگی آرام درخانه خود محروم مینماید فعالیت های سفیر موصوف برجستگی خاص داشته و به محبوبیت وی نزد فرماندار افزوده است و باداشش رادست بدست تحویل گرفت که همانا تقررش بمقام وزارت داخله است؛ بتحقیق که تازه شدن روابط نیک فرمانروا با مقامات ذیصلاح کشور همسایه شرق که همکار محبوب و نازدانه نزد رهبران ابر قدرت جهان است و همچنان تجدید بیمان بایردان نا راضی زمینه های فریبنده و عملی تر را درجهت توجه بیشتر برادران عزیز و بخصوص برادر بزرگ بایندهست نشانده مطیع فراهم ساخت طبعاً که در چنین فضای صاف استفاده از واژه های اجنبی؛ خودسروزورگویی به آدرس حامیان در ذهن کسی نمیگذرد همینطور طرح تفرقه اندازی و انگیزه های بجاماندن میراث خوب و بد قطعاً زمینه ندارد فرماندار راضی و خوشخدمت ما برای انجام بهتر اوامر ولینعمت به یک لنک ایستاده است و جز منافع خودویاران بدیگری نمیاندیشد شاهد بر آنچه گفته آمده ما نامضای توافق نامه استراتژی یک ساعت دو بعد از نصف شب ماه می ۲۰۱۲ نه در مقام ریاست جمهوری نه در وزارت دفاع افغانستان بل در میدان هوایی بگرام که دیگر مقر فرماندهی نظامی ایلات متحده میباشد کافیس (گمانی رود در بدل تعهد شفایی ولینعمت رامبنی بر فرمانداری دایمال عمر خودکسب نمود است) فرماندار کوتاه فکربدون توجه بحکم بندسوم ماده ۶۲ قانون اساسی که خود توشیح نمود و غافل از آنکه یکی از اساسات نهادینه شدن دیموکراسی انتخابی بودن کرسی های نماینده های مردم در پارلمان؛ مقامهای ارشد دولت و تطبیق بموقع قانون است و بتصور اینکه تا زنده است فرماندار است فریب خورده بار دیگر بدون توجه به خواست مردم وطی مراحل دولتی بامضای مبارک خود بای سند متذکره فعالیت بیس ها و بایگاه های نظامی کشور های ذی علاقه را در سایر ولایات مهم وطن که کار ساختمانی این بایگاه ها بصورت اساسی و مدرن مدتها قبل بنهان از انظار مردم تکمیل و به بهره برداری سپرده شد بود مشروعیت بخشید و قرار بر آن شد تا غرض آگاهی مردم کشور از موجودیت بایگاه ها و فراهم آوری اطمینان قدرتهای مطرح و بخصوص همسایها که این بایگاه ها وجود دارند و از آنها خطر متوجه شان نمیگردد و همچنان ارا به جزیات بیشتر در رابطه با حضور دایمی قدرت های مبارز علیه تروریسم و القاعده بعد سال ۲۰۱۴ سند دیگری زیر نام موافقتنامه امنیتی آماده کرد تا عندالموقع توسط ولینعمت و فرماندار توشیح شود. توشیح سند یاد شده برای هر دو کشور بخصوص برای ایالات متحده و متحدینش براهمیت است بیشنویس این سند را جهت غور و مذاقه بیشتر به ادارات مربوطه ولینعمت و فرماندار سپردند که بس از تعدیلات و تغییرات اصلاحی سند نهایی و آماده توشیح است جانبین باخلوص نیت موافقه نمودند که این سند مهم در محفل باشکوه توسط رهبران همتا امضا گردد تاریخ برگزاری محفل تعیین شد اما با براه افتادن آماجگی های انتخابات ریاست جمهوری یکی دومکالمه سری تلفونی ولینعمت با (همتای افغانیش) و جلب توجه همتای متذکره با بین حقیقت تلخ که قانونا نمیتواند بار سوم در جمله کاندیدان ریاست جمهوری وارد میدان شود زنگ خطر بظاهر گوشش رانوازش داد که اندیوال سه مال و همان بود که به بهانه مشوره با مردم بای را در یک موزه کرد و از امضای سند مرتبه در وقت تعیین شده ابا و ورزید و حتی فیصله لوی جرگه را که خودش طراح آن بود نادیده گرفت وزیر امر

استاد رهبر و بدر معنوی خودم نرفت و سند را امضا نکرد و در جواب مصاحبین خود فرمود او (آب) که از سر برید چه یک نیزه چه صد نیزه حالا که ما نباشیم نمی‌باشیم شما او امریکایی‌ها چطور خواهید ماند من می‌فهمم که شما رفتنی نیستید و منم امضا کردنی نیستم آیا واقیعت همین است که ما می‌بینیم و می‌شنویم؟ خدا داند و فرمانروا داند و فرماندار حالا دیگر زبان بسته فرمانروا باز شد زمینه شکایت‌های کلایه آمیز از مداخلات کشور حامی و بخصوص شخص ولینعمت که گویا دیگر نمیتواند حمایتش را برای ادامه سروری بر ملت داشته باشد فراهم نمود فرما نروا چهره بدل نموده در هر محفل و مجلس رسمی و شخصی با بوجی بوجی شکایت و انتقاد از شخص ولینعمت تلاش دارد ذهنیت‌ها را روشن سازد که او دیگر دست نشانده نیست بلکه مستقل است باورداریم که این لغت بر این‌های فرمانروا ملت را می‌خنداند و از این و آن شکایت و انتقادش به آدرس ولینعمت لطیفه‌ها درست شده و در محفل‌های خبرگان نقل می‌شود. معلومست که مقامات دولت امریکا بخاطر امضای سند مورد نظر توسط فرماندار که حالا فرمانروا شده است دست به معامله‌گری می‌زند و با فرستادن نماینده‌های با صلاحیت بدربار کابل می‌خواهد از یک سو عرش کاذب فرماندار را که گویا دست نشانده نه بلکه زمامدار مستقل وطن خود است فرو نشاند و از جانبی اذعان نمایند که این کدی کوکی زعیم ملیست (فریب دادن عوام بیشه دیرینه همچو فرمانداران و ولینعمت‌های شانست) فرماندار بخاطر تداوم سلطه خود هر روز بهانه‌های نو پیش می‌کشد و فکر میکند برای زعیم شدن؛ جلوگیری و طنبرست ملی دشنام دادن و برافراشتن برچم بغاوت علیه امریکا و امریکایا کافیسست تابه منزل مقصود (تصاحب تخت فرمانروای) برسد. اوایل با ایراد بیانیه‌های اعتراض آمیز در رابطه با عملکرد نادرست مقامات نظامی کشور حامی و متحدین مستقر در وطن ما؛ از طریق رسانه‌های جمعی کنفرانس‌های مطبوعاتی روشن‌گری نمودند رفته رفته این اعتراضات و سر تکانی‌ها شدید و شدیدتر از طریق رسانه‌های دولتی و شبکه‌های تلویزیون‌های خصوصی بخش و نشر گردید دیگر حامیان بین المللی دیروز به القاب اجنبی خارجی دستگاه طالب ساز مخربین نهاد‌های دولتی توطئه‌گران بر جان فرمانروا خنجر زنان بشت برده و... و... یاد میشوند و اما حامیان جهان خم به ابرو نمی‌آورند.

هنگامی که رییس جمهور او با در سفر غیر مترقبه با اهداف کاملاً سری به بگرام بایگاه نظامی کشور خود تشریف آوردند و طالب ملاقات جناب کرزی در بایگاه شدند آقای کرزی ولینعت دیروز را دعوت نمودند تا امروز بصفت مهمان عزیز در ارگ ریاست جمهوری بحضورشان مشرف شوند. بار دیگر عکس‌العمل از جانب مقامات امریکایی مشا هدهه نمیشود. گمانه زنی‌ها میرساند؟ اگر که می‌گویند ایمان بگمان زاحل میشود باز هم بنا هم به خدا (ج) گمان میرود شبها که در امریکا روز است فرماندار ما در پاسخ به او امر ولینعمت: حال که انتخابات را بدور دوم کشا ندید باید بخاطر تطبیق قانون و نهادینه شدن اصول دیموکراسی زمینه‌های برگزاری این دور انتخابات رابه نحو احسن فراهم سازید و تمثیل نماید که قدرت را بدیگری تحویل میدید عذ روزاری راه انداخته و با لجاجت فطری که دارد التماس مینماید: تطبیق قانون یعنی چی؟ شما خود قانون هستید و رنه دوام سیزده سال زمامداری ما در جهت تامین منافع علیای شما در کشور خود ما و اکثر کشور‌های منطقه که با هیچ قانون جهان دیموکراسی مطابقت ندارد و در قوانین نافذ کشور ما هم تسجیل نشده است چه معنی میتواند داشته باشد؟ معنی اینست که فرمانداری برکیف ما صرف و صرف با مساعدت شما ادامه دارد زعیم ملی بابای ملت افتخار بس بزرگ است اما کش و فکش فرمانروای را ندارد نخیر ما ایله دادنی نیستیم ولیعهد هنوز کوچک است و اعتماد بر دیگران ابلهانه

جلوه میکند شما توجه کنید ما را بگزارید و برکرسی موجود محکم نگهدارید و عده میدهم انتخابات اینبار هم آرام و بیسروصدا دایر میگرد و برادران ناراضی در دور دوم هم تاجایکه تعویض مامطرح نباشد به عملیات تخریبی مبادرت نمیورزند. . بالمقابل کاندیدان محترم را شما بفهمانید که درتاخیرشمارش آرا و اعلان نتایج نهایی دوریکم ما را مغرض نه بلکه بیغرض منصف توصیف نمایند و کمیسیونهای موظف را بهر اندازه که میتوانند به باد انتقاد بگیرند تا بروسه تغیر و تبدیلی کارمنان کمیسیون ها درمطابقت با قوانین دیموکراسی مطروحه وطن قناعت شما و دیگر قانون دوست هارافراهم سازد و ماوشما سرفراز جلوه نمایم. اگرخدای نا خواسته تلاشهای که ما برای تاخیر دور دوم انتخابات رویدست داریم کارگریفتند بخاطر استحکام قدرت جهاد درکشور و ادامه سیستم موجود دولت جهادی ناچاراز کاندیدهواخواه و همرزم خود حمایت مینماییم تا بنام فرماندار امور روزمره و تشریفات رادرداخل کشور امابیرون ازارگ انجام دهد و خود ما با اتکاه به وعده و حمایت شما از مقام والای بابای ملت همه امور بیرونی کشور و داخل ارگ را بهعهده میگیرم یقینن سیزده سال آینده مثل سیزده سال قبل زود میگذرد . یار زنده صحبت باقی .

با احترام

انجنیر محمد صدیق عبادی